



مسعود معین زاده

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۴

مصاحبه کننده: کتبی

واحد: مرکز گرافیک

سال ورود: ۱۳۴۵



- روزشماری از نحوه استخدام اینجانب در دانشگاه صنعتی شریف (آریا مهر سابق) و شکل‌گیری دانشگاه از تابستان ۱۳۴۵ به بعد

۴۵/۳/۱۵ مطلع‌شدن از تأسیس دانشگاه جدیدی به نام دانشگاه صنعتی آریامهر و اطلاع از امکان استخدام اینجانب، توسط یکی از دوستان.

۴۵/۳/۳۱ برای اولین بار صبح برای دیدن دانشگاه رفتم. آن روزها دانشگاه در جاده کرج بین میدان انقلاب و میدان آزادی که حالت بلوار داشت، واقع شده بود. یکی از هم دانشکده‌ای‌هایم به نام مهندس اسماعیل حاجی‌زاده که استخدام شده بود، توصیه کرد به دبیرستان البرز نزد دکتر مجتهدی، نیابت تولیت عظمای دانشگاه و یا معاون ایشان دکتر هوشنگ منتصری - بر حسب تصادف در دانشکده استاد ریاضی ما بود- بروم.

۴۵/۴/۷ به دبیرستان البرز رفتم و دکتر منتصری را دپدم، فرمود؛ مدرک تحصیلی‌ام را بیاورم و تحویل دهم.

۴۵/۴/۱۱ تقاضای استخدام و مدرک تحصیلی خود (فوق لیسانس مهندسی طراحی از هنرسرای عالی تهران) را برای استخدام در قسمت رسم فنی به ایشان تحویل دادم.

۴۵/۴/۱۲ بدون آنکه بدانم مهندس حشمت‌اله نیایش که استاد طراحی مهندسی ما در دانشکده بود سرپرست گروه رسم فنی دانشگاه صنعتی است، صرفاً به قصد ادای احترام، نزد ایشان رفتم. پس از مدتی، درباره تقاضای استخدام خود در دانشگاه صنعتی، سخن گفتم. مهندس نیایش اظهار داشت از بابت استخدام خیالم راحت باشد چون تشخیص به‌عهده ایشان است. خیلی خوشحال شدم و باورم نمی‌شد.

۴۵/۴/۱۶ مهندس نیایش اعلام کرد با استخدام اینجانب در دانشگاه موافقت شده است.

۴۵/۴/۲۸ دکتر منتصری برگ استخدامی در دانشگاه را به من داد که پر کنم و تحویل دهم.

۴۵/۴/۲۹ مدارک لازم برای استخدام را به دکتر منتصری تحویل دادم.

۴۵/۵/۵ دکتر منتصری اظهار داشت؛ برای گروه رسم فنی ۳ نفر نیرو می‌خواهیم که مهندس نیایش این افراد را معرفی کرده‌اند. علاوه بر بنده، مهندس محمدباقر رجالی‌زاده (دکتر رجال کنونی) و مهندس علی امیرفضلی (دکتر امیرفضلی کنونی) انتخاب شده بودند.



۴۵/۵/۸ دکتر منتصری گفت؛ استخدام شما از نظر ما هیچ اشکالی ندارد. فقط میزان حقوق تعیین نشده است و می‌توانید از همین حالا کار خود را شروع کنید.

۴۵/۵/۱۰ کار در دانشگاه صنعتی را آغاز و به‌عنوان اولین کار، آرم دانشگاه را که مدادی بود مرکبی کردم.

روزها با همکاران آموزشی که در کشورهای مختلف و یا ایران تحصیل کرده و سپس در دانشگاه استخدام شده یا در حال استخدام بودند در مورد مسائل گوناگون مانند؛ نحوه کار، میزان حقوق و مباحث علمی، صحبت می‌کردیم. ناهارخوری دایر نبود و غذا از شرکت نفت با سرویس آورده می‌شد و خانم فرمانفرمائی، عضو هیئت امنا که با شرکت نفت ارتباط داشت، مسوولیت این کار را به‌عهده گرفته بود.

۴۵/۵/۲۵ در حضور دکتر منتصری و مهندس گلستانی (سرپرست دوره عمومی) و همکاران گروه رسم فنی صحبت‌ها و راهنمایی‌هایی شد.

۴۵/۵/۲۷ میزان حقوق برای اعضاء هیئت علمی مشخص شد (از ۲۰/۰۰۰ ریال، ۲۵/۰۰۰ ریال برای فوق‌لیسانس‌های تحصیلکرده در ایران ۳۰/۰۰۰ ریال برای فوق‌لیسانس‌های تحصیلکرده در خارج ۵۰/۰۰۰ ریال برای دکتری). حقوق اشخاصی را که دکتر مجتهدی انتخاب نکرده و یا رئیس دانشکده آنها نبود ۲۰/۰۰۰ ریال تعیین کرده بودند که پس از مدتی بنا به لیاقتی که از خود نشان دهند به مبلغ ۲۵/۰۰۰ ریال افزایش یابد.

۴۵/۶/۲ حکم استخدامی پس از پرکردن فرم موافقت مقررات استخدامی دانشگاه برای اینجانب با سمت معلم رسم فنی و دیگران هم معلم، سرپرست گروه و یا دستیار، نوشته و با امضای دکتر محمدعلی مجتهدی، نیابت تولیت عظمی دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر سابق) صادر شد.

۴۵/۶/۷ اولین حقوق خود را از بانک ملی از شعبه میدان فردوسی با احتساب کسر ۱۰٪ مالیات دریافت کردم.

۴۵/۶/۲۸ با مهندس رجالی‌زاده به شرکت امین کار، واقع در چهار راه کالج رفتیم و اجناسی را که برای گروه رسم فنی لازم بود، تحویل گرفتیم.

۴۵/۷/۲ شنبه بود و در آن روز افتتاح رسمی شروع کار دانشجویان در سالن اجتماعات ضلع جنوبی دانشگاه برگزار شد. در این مراسم دکتر مجتهدی، مقامات دانشگاه، بعضی از اعضاء هیئت امنا، اعضاء هیئت علمی و دانشجویان قبول شده در کنکور اختصاصی دانشگاه صنعتی آریامهر، حضور داشتند. سخنرانی‌ها و خوش‌آمدگویی‌هایی به مناسبت



شروع کار دانشجویی انجام شد. دانشجویان در ۵ گروه ریاضی، فیزیک، شیمی، رسم فنی و کارگاه‌ها پذیرفته شده بودند. از میان ۵۴ نفر دانشجوی، ۱۰ نفر با درجه دکتری، ۳۷ نفر فوق‌لیسانس مهندسی و فوق‌لیسانس و چند نفری لیسانس و ۵ نفر تکنسین بودند و ۱۸ نفر از این عده در زمره فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های مهندسی تهران (فنی، پلی تکنیک و هنرسرای عالی تهران) قرارداشتند.

بعدازظهر تدریس تئوری رسم‌فنی در آمفی تئاتر به وسیله مهندس نیایش آغاز شد. سپس تقسیم‌بندی دانشجویان به ۳ کلاس ۲۷ نفری تمرین در سالن رسم‌فنی ساختمان جنوبی دانشگاه، هدایی وزارت آموزش و پرورش، صورت گرفت. برای روزهای بعد هم کارها به همین ترتیب انجام می‌شد. ۲ نفر هم به اسامی مهدی جمالی و مهندس طاعت به صورت قراردادی به گروه ما اضافه شده‌بودند و اینجانب کلاس را به تنهایی و آقایان رجالی‌زاده و جمالی - امیرفضلی و طاعت به طور مشترک کلاس‌های تمرین را اداره می‌کردیم. برنامه کل دانشگاه برای دانشجویان از شنبه تا چهارشنبه، از صبح تا بعدازظهر و پنج‌شنبه‌ها تا ظهر برنامه‌ریزی شده‌بود. در ضمن برنامه آموزشی به طور ثلثی برگزار می‌شد. به‌این صورت که ۳ ثلث در سال و هر هفته شنبه‌ها صبح، امتحان ریاضی، هفته بعد فیزیک و هفته بعد امتحان شیمی در سالن ناهارخوری انجام می‌شد. سالن با ابعاد مساوی به شکل مربع، تقسیم‌بندی شده‌بود و هر یک از اعضا هئیت علمی در یکی از مربع‌ها پس از توزیع اوراق امتحانی، مراقب انجام امتحان بود. جلسات کنفرانس‌های علمی تشکیل و از اعضا هئیت علمی برای شرکت در این جلسات دعوت می‌شد.

در یکی از این جلسات یک برگ چک یک‌صد میلیون ریالی هدایی شرکت نفت به دانشگاه به رویت اعضا رسید. آن‌زمان با توجه به شرایطی که داشتیم برایمان خیلی جالب بود. ناهارخوری کوچکی در کنار ناهارخوری دانشجویان برای اعضا هئیت علمی اختصاص داده‌شده‌بود. سرپرستان گروه‌های پنج‌گانه عبارت بودند از دکتر مجتهدی (ریاضی)، دکتر فیروز پرتوی (فیزیک)، دکتر سیاوش (شیمی)، مهندس نیایش (گروه رسم فنی) و مهندس پیروزنیا (گروه کارگاه‌ها).

قرار شده بود برای رفع اشکالات آموزشی جلساتی ترتیب داده‌شود که هر کس مباحث ساده‌ای را تدریس کند.

۴۵/۸/۳ آقای مهدویان از اعضا مؤثر اداره آموزش وارد اتاق رسم شد و افزایش حقوق از ۲۰/۰۰۰ ریال به ۲۵/۰۰۰ ریال و برای دیگران از ۲۵/۰۰۰ ریال به ۳۰/۰۰۰ ریال به‌علت



جدیت در انجام وظایف همراه با برگ موافقت‌نامه به امضا دکتر منتصری (از طرف نیابت تولیت عظمی) را به ما مژده داد که باعث خوشحالی و تشویق بیشترمان شد.

اغلب شب‌ها به کار تهیه نقشه‌های تمرینی می‌گذشت و دانشجویان هم تا پاسی از شب مشغول انجام وظایف و نقشه‌های تمرینی محوله بودند. پیشرفت این دانشگاه تازه تاسیس مورد توجه کل نظام آموزشی مملکت بود و دقت می‌شد که اشتباه و یا اشکالی در هیچ یک از زمینه‌ها در کار نباشد.

۴/۸/۴۵، ۱۰ نفر از اعضا هئیت علمی و دکتری با لباس استادی در مراسم چهارم آبان، سالگرد تولد شاه در دربار شرکت کردند و این اولین سلام رسمی اعضاء هئیت علمی دانشگاه آریامهر بود.

۱۰/۸/۴۵ ترتیبی داده شده بود که وقتی دکتر مجتهدی برای بازدید وارد قسمت‌های مختلف می‌شود دیگران به تصور آمدن شاه چه رفتاری داشته باشند. در واقع تمرینی برای مراسمی که قرار بود روز بعد انجام شود.

پس از تمرین مرحله اول (خوش‌آمدگویی) اولین گروه مورد بازدید، گروه رسم فنی واقع در ساختمان چند طبقه جنوبی دانشگاه بود و ما هم بی‌اطلاع بودیم. عده‌ای هراسان خبر دادند شما کجا هستید؟ مگر نمی‌دانید که شاه و همراهان آمده‌اند (البته با ذکر عناوین آن موقع). گفتیم مگر این مراسم فردا اجرا نمی‌شود؟ به هرحال خود را رساندیم و گفتم پس شاه کجا است؟ گفتند مگر نمی‌بینی؟ گفتم ما سیاسی نیستیم و خبری از این تحول نداریم مگر دکتر مجتهدی شاه شده‌است؟ و ادامه صحبت. بالاخره دکتر منتصری به ستوه آمد و خیلی آهسته گفت بابا کجای کاری این برنامه برای گروه ما لغو شد.

۱۱/۸/۴۵ روز افتتاح رسمی دانشگاه و بازبینی همه قسمت‌ها - کلاس به کلاس - و کارگاه‌ها.

در کلاس تمرین رسم فنی دانشجویان، عده‌ای جمع شدند. شاه، فرح و بعضی از مقامات نیز حضور یافتند. مهندس نیایش تمرینات کلاسی را به شاه و فرح نشان داد. فرح اظهار داشت؛ هندسه ترسیمی درس مشکلی است. از قرار اطلاع و با توجه به اینکه فرح مدتی دانشجوی رشته معماری در فرانسه بود، این نظر را ابراز داشت. عکس این مراسم هم موجود است. در سالن ناهارخوری شاه سخنرانی کرد و درباره دلیل تاسیس این دانشگاه سخن گفت و از دکتر مجتهدی تعریف کرد. سپس با حضور شاه، فرح و همراهانشان ناهار، صرف شد. پس از انجام مراسم یک جلد بولتن دانشگاه که نام، مشخصات، وظیفه و عکس

بازبینی
رسم فنی
دانشگاه
آریامهر



هر یک از اعضاء هئیت علمی در آن ذکر شده بود همراه با اساسنامه دانشگاه و نام کمک‌کنندگان مالی به دانشگاه و مدال دانشگاه به همگان - به غیر از شاه- داده شد. ۴۵/۹/۶ دکتر منتصری با اینجانب در مورد دو نفر از همکاران قراردادی تماس گرفت که آیا لازم هستند یا خیر؟ این تماس از این‌رو انجام گرفت که اختلافی بر سر میزان دستمزد ماهیانه آن همکاران پیش آمده بود و مهندس نیایش، اعتراض کرده بود که اگر دستمزد آن‌ها کم باشد، ایشان خواهدرفت. دستمزد مورد نظر دانشگاه ۱۲/۰۰۰ ریال در ماه بود اما مهندس نیایش مبلغ ۱۵/۰۰۰ ریال را مدنظر داشت. اواخر آذرماه امتحان رسم فنی همه گروه‌ها انجام و نمره همگی آماده و تحویل داده شد.

۴۵/۱۰/۱۷ پس از تعطیلات پانزده روزه (ثلث اول)، بعدازظهر منتظر آقایان مهندس نیایش، جمالی و طاعت (دو نفر قراردادی) بودیم که از ایشان خبری نشد. یادم آمد که مهندس کیائی (یکی از کارگزاران اجرایی دانشگاه) گفته بود؛ ممکن است پس از تعطیلات، مهندس نیایش نیاید و همین‌طور هم شده است. مهندس لکستانی گفت؛ فعلاً یک‌طوری کلاس‌ها را اداره کنید. همچنین خبرداد؛ دکتر مجتهدی گفته ممکن است گروه رسم فنی را منحل کند. بعد هم دکتر منتصری گفت اگر می‌توانید خودتان اداره کنید چون شما تمام‌وقت هستید و مسئولیت به‌عهده شماست. بیرون دانشگاه به دیدن مهندس نیایش رفتیم. مطالبی عنوان کرد که در آن شرایط چاره‌ساز نبود.

دکتر حسینعلی انواری، مدیر امور آموزشی هم در مورد اداره گروه آموزشی رسم فنی اظهارات مشابهی کرد که تا حدودی امیدوار کننده بود. هفته بحرانی‌ای بود. انحلال گروه و رفتن از دانشگاه، ضمن آنکه دانشجویان می‌گفتند یکی از بهترین استادان خود، یعنی مهندس نیایش را از دست داده‌اند.

۴۵/۱۰/۲۵ دکتر مجتهدی ما ۳ نفر را احضار کرد و ضمن آنکه خیلی هم عصبانی بود، گفت یا کلاس‌ها را خیلی خوب اداره کنید یا چاره‌ای برای خودتان، بیانده‌اید. ۱۵ روز فرصت دارید خودتان را نشان دهید. در همین روز، نخست‌وزیر هویدا به دانشگاه آمد و ضمن بازدیدها، نهار هم در همان سالن کوچک صرف شد.

با مطالعه زیاد و تهیه مطالب لازم، مشغول تدریس و اداره کلاس‌های تمرین شدیم. خلاصه گروه در حالی به کار خود ادامه می‌داد که فضای امید و ناامیدی، ترس از انحلال و شنیدن حرف‌های مختلف در آن روزها حاکم بود.



۴۵/۱۰/۲۸ دانشجویان نامه مفصلی برای دکتر مجتهدی نوشتند و از ایشان به خودشان شکایت کردند. شکایت از گروه آموزشی ریاضی و درخواست بازگشت مهندس نیایش از جمله موضوعاتی بود که در این نامه مطرح شد.

۴۵/۱۱/۱ دانشجویان برای ۷ خواسته خود اعتصاب کردند. کلاس‌ها تعطیل شد و از جمله فریاد می‌زدند: مهنا تعطیلش کن (کلاس شیمی).

۴۵/۱۱/۲ صحبت دکتر مجتهدی با دانشجویان برای دعوت از استاد فرانسوی برای تدریس رسم فنی و رضایت دانشجویان.

۴۵/۱۱/۱۲ صبح دانشجویی به دفتر کار ما آمد و گفت حالا که رسم را برداشته‌اند تکلیف چیست؟ دکتر انواری اظهار داشت؛ قسمت رسم برداشته شده و شما را فعلاً به کارگاه می‌فرستند ولی بعد تلفن کردند که قسمت رسم پابرجاست. بعد از ظهر یکبارہ دکتر مجتهدی وارد کلاس من شد و سوالاتی کرد و از آمدن احتمالی استاد فرانسوی خبر داد و گفت شما مبارزه کنید و خارج شد.

۴۵/۱۱/۱۳ دوباره دکتر مجتهدی وارد دفتر کار ما شد و باز هم ما را دعوت به مبارزه و نشان دادن خودمان کرد و از کلاس روز گذشته‌ام تعریف کرد و در جواب گله مهندس رجالی‌زاده که چرا بی‌خبر از ما می‌خواستید، کلاس‌های درس را تعطیل کنید، گفت؛ حق با شما است و گزارش دکتر منتصری نادرست بود.

۴۵/۱۱/۱۸ دکتر مجتهدی به دیدار ما در دفتر کارمان آمد و ابراز تشکر کرد. پس از این دیدار یکی از دانشجویان در بیرون از دفتر گفت؛ دکتر منتصری گفته‌اند که قسمت رسم تا عید نوروز بیشتر نمی‌ماند و به کارگاه تبدیل می‌شود. این همه حرف‌های ضد و نقیض باعث تأسفمان بود.

۴۵/۱۱/۲۵ دکتر انواری گفت؛ دو راه وجود دارد؛ یکی آمدن مهندس نوربخش از دانشکده فنی و دیگری تبدیل شدن کلاس به کارگاه.

۴۵/۱۱/۲۶ مهندس نوربخش با دکتر انواری به دفتر کار ما آمدند. مهندس نوربخش پس از دیدن نقشه‌های کلاسی‌مان اظهار داشت؛ خیلی پیشرفت کردید. پس برای سال دوم چه مانده است؟ به اتفاق دکتر امیرفضلی ناهار با ایشان صرف شد. ضمن صرف ناهار گفت که مهندس شهرساز است و مهندس ریاضی. رئیس دانشکده فنی به‌زور تدریس رسم فنی را به ایشان تحمیل کرده‌است. (مهندس رجالی‌زاده برای انجام کاری بیرون از دانشگاه بود.)



۴۵/۱۱/۲۷ مهندس نوربخش، تلفنی انصراف خود را از آمدن به دانشگاه اطلاع داد و بدین ترتیب احتمال انحلال گروه رسم‌فنی، بیشتر شد. شرایط بسیار بدی داشتیم. سال اول خدمت، دعا می‌کردیم و از خداوند می‌خواستیم که ما را از این گرفتاری نجات دهد. بعدازظهر دکتر انواری اطلاع داد که انصراف مهندس نوربخش باعث شک به شما شده چون با حرف‌های خود موجبات انصراف ایشان را فراهم کرده‌اید.

۴۵/۱۱/۲۹ دکتر انواری، مهندس لکستانی، مهندس پیروزی، مهندس کیایی و من به دفتر دکتر مجتهدی احضار شدیم. دکتر مجتهدی علت انصراف مهندس نوربخش را از ما جویا شد و شک داشت که چون ما به جز مهندس نیایش کسی را قبول نداریم، بنابراین گزینه‌های دیگر را تحریک می‌کنیم که برود. در پاسخ گفتیم؛ ایشان گفتند مدرس شهرسازی هستند. دکترمجتهدی دوباره پرسید؛ چه گفتید که ایشان این را گفت. گفتیم نقشه‌های تمرینی دانشجویان را به ایشان نشان دادیم. بالاخره پس از دفاعیات دیگر، ایشان موضوعی را مطرح کرد که باعث شد ناراحت شوم و خواستم به طور کلی از اتاق و دانشگاه خارج شوم. یک پایم را از اتاق بیرون گذاشته بودم که ایشان فریاد زد و گفت؛ حالا کی گفته، شما قهر کنید؟ مهندس رجالی‌زاده که مهندس نوربخش را ندیده بود، مامور بررسی و تحقیق در مورد نیامدن ایشان کرد و دوباره به‌طور موقت به کار خود ادامه دادیم.

بعدازظهر همان روز با خبر شدیم به‌طور موقت، مهندس پیروزی سربرسی قسمت رسم را عهده‌دار شده و قرار است کلاس‌های رسم با همکاری مهندس محمدیان، مهندس خادم، مهندس دبیری از گروه‌های دیگر و ما اداره شود. مهندس رجالی‌زاده دنبال کار تحقیق در مورد نیامدن مهندس نوربخش رفته بود.

۴۵/۱۱/۳۰ با مهندس دبیری در کلاس درس بودیم که ساعت چهار بعدازظهر دکتر مجتهدی به اتفاق دکتر انواری و مهندس لکستانی و فرد دیگری وارد کلاس شدند و تدریس رسم‌فنی توسط مهندس سروژ مارکاریان مدرس رسم فنی دانشکده فنی را مژده دادند. در آن‌زمان، مهندس مارکاریان مدیر فنی کارخانه ارج هم بود. دکتر مجتهدی از من خیلی تعریف کرد. این موضوع باعث ناراحتی همکاران جدید شد. دکتر مجتهدی خیلی سفارش کرد طوری رفتار کنید که ایشان تا آخر خردادماه همکاری داشته باشد. پس از مدتی معلوم شد دانشجویان هم زیاد از تدریس مهندس مارکاریان راضی نیستند و این موضوع را طی نامه‌ای به دکتر مجتهدی اطلاع داده‌اند و تا آخر اسفند هم ناراحتی‌هایی



برای مهندس مارکاریان با دانشجویان پیش آمد ولی برنامه‌ریزی‌های لازم برای کلاس‌های پس از عید نوروز را انجام دادیم.

۴۶/۱/۱ ساعت ۸ شب مراسم عید نوروز در ساختمان دبیرخانه واقع در خیابان کارگر (امیرآباد شمالی سابق) برگزار شد. دکتر مجتهدی و عده‌ای از اعضای هیئت علمی (حدود ۲۰ نفر) ملبس به لباس استادی که از مراسم نوروزی دربار، بازگشته بودند به اتفاق دیگر اعضاء هیئت علمی در این مراسم، حضور داشتیم. دکتر مجتهدی عازم کشورهای اروپایی و امریکا بود تا از برخی افراد برای همکاری با دانشگاه دعوت کند و از همگی ما تقاضای دعای خیر کرد.

۴۶/۱/۲۰ بازم عده‌ای از دانشجویان به تصور اینکه نمره بد به آنها داده‌ایم خیال شورش داشتند و در جلسه‌ای با حضور مهندس لکستانی، دکتر انواری و مهندس کیایی به این نتیجه رسیدیم که دانشجویان، بی‌جهت سر و صدا می‌کنند و وضعیت نمرات، خوب است.

۴۶/۳/۱۰ چند نفر از دانشجویان دختر مراجعه و اظهار کردند که از رفتن به کلاس می‌ترسند چرا که عده‌ای از دانشجویان آنها را تهدید کرده‌بودند به کلاس نروند.

۴۶/۳/۱۳ چند نفر از دانشجویان نقشه‌های دانشجویانی که در کلاس شرکت کرده‌بودند را پاره کردند. دکتر منتصری نیز از وضعیت تدریس مهندس مارکاریان برای جلوگیری از شورش دانشجویان اعلام خطر کرد.

۴۶/۳/۲۱ دکتر مجتهدی از سفر خارج بازگشت و استقبال شد.

۴۶/۳/۳ بدون برگزاری امتحان پایان ترم و فقط با احتساب معدل نمرات کلاسی، نمره‌های رسم‌فنی دانشجویان، محاسبه و به اداره آموزش ارسال شد. به جز چند نفر، سطح نمرات به علت تحویل ندادن تکالیف کلاسی، پایین بود. در نتیجه ۹ نفر مردود شده بودند.

۴۶/۴/۳ دکتر نیایکی از ریاست دبیرخانه برکنار و هوشنگ بهمن‌یار جایگزین وی شد.

۴۶/۴/۱۳ جلسه‌ای با حضور دکتر مجتهدی و دکتر منتصری برای انجام کنکور اختصاصی ورود به دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر سابق) برگزار شد.

۴۶/۴/۱۴ کنکور ورودی بسیار منظم برگزار شد. وظیفه اینجانب نیز تقسیم اوراق و مراقبت در جلسه سالن تازه تاسیس تربیت‌بدنی دانشگاه بود.

۴۶/۴/۲۰ از ملاقات دکتر مجتهدی با مهندس نیایش مطلع شدیم. همچنین دبیرخانه دانشگاه از خیابان کارگر شمالی (امیرآباد سابق) به داخل دانشگاه منتقل شد.



۴۶/۴/۲۲ مشاهده اخبار کشوری و نمایش انجام کنکور دانشگاه در سینماهای کشور. در این اخبار اینجانب فقط در حال توزیع اوراق و مراقبت در جلسه نشان داده می‌شدم. ۴۶/۴/۳۱ دکتر منتصری به ریاست دانشگاه تبریز و دکتر نیاکی هم به‌عنوان معاون ایشان، منصوب شدند.

آن‌طور که گفته می‌شد از مدتی قبل، اختلافاتی بین دکتر مجتهدی و دکتر منتصری بر سر اداره دانشگاه در انجام امور مختلف به‌وجود آمده بود.

۴۶/۵/۱۱ بازگشت مهندس نیایش به دانشگاه قطعی شد که اتفاق بسیار خوب و امیدوارکننده‌ای بود. آشتی دکتر مجتهدی و مهندس نیایش به کمک مهندس پیروزنیا با صرف ناهار در هتل مرمر انجام شد.

۴۶/۵/۳۱ برای خوش‌آمدگویی به دیدن مهندس نیایش رفتیم. در همین دیدار ایشان گفت؛ ۳ نفر را پیدا و برای استخدام معرفی کنم. مهندس ابطیحی و مهندس رفیعی تهرانی را معرفی کردم که از هم‌کلاسی‌های فعال و بسیار خوب بودند و نفر سوم آقای امیرفضلی بود. اتفاقاً با استخدام آنها موافقت شد. خداوند را شکر می‌کردیم که بالاخره دایمان مستجاب شد و مسئله گروه رسم فنی رفع شد که گویا بیشترین مسئله دانشگاه در سال افتتاح بود.

۴۶/۷/۱ کلاس‌های دانشگاه آغاز شد. مهندس جهانگیرحکیمی تهرانی از هم‌دانشکده‌ای‌هایمان به گروه ما پیوست و با مهندس نیایش، ۷ نفر اعضای گروه رسم فنی، شدیم. درضمن مهندس با حفظ سمت، سرپرستی گروه رسم فنی، مشاور نیابت تولیت عظمی دانشگاه هم شده بود.

در ابتدای سال تحصیلی جدید، تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه در سطح دکتری و فوق‌لیسانس خیلی بیشتر شده بود.

۴۶/۱۱/۱۰ عصر جلسه فوق‌لیسانس‌های دانشگاه با دکتر مجتهدی برگزار شد. در این جلسه انتقادهایی راجع به نوشته‌نشدن نام تحصیل‌کرده‌های فوق‌لیسانس در ایران به عنوان اعضای هیئت علمی در سالنامه دانشگاه عنوان شد. موضوع دیگر مطرح‌شده در این جلسه، چاپ مقالات همه فوق‌لیسانس‌ها، بدون ذکر نام آنها بود. معترضان در این جلسه به دکتر گفتند؛ جنابعالی باید برای ما احترام بیشتری قائل باشید. ایشان هم قول‌هایی دادند. گو آنکه به نظر می‌رسید جابجایی دکتر مجتهدی حتمی باشد.



۴۶/۱۱/۲۱ در روزنامه‌ها خبر انتصاب پروفیسور رضاء به سمت نیابت تولیت عظمی دانشگاه صنعتی آریامهر نوشته شده بود. مراسم معرفی به شاه در فرودگاه مهرآباد انجام شد. دکتر مجتهدی نیز در این مراسم حضور داشت. البته ایشان هم به ریاست دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) منصوب شد.

۴۶/۱۲/۵ عصر با مهندس رجالی‌زاده و مهندس امیرفضلی در کاخ شهری دربار، واقع در خیابان پاستور در ضیافتی که برای انتصاب پروفیسور رضاء ترتیب داده شده بود، شرکت کردیم. بسیاری از وزراء و مقامات دیگر مملکتی در این مراسم حضور داشتند. دکتر مجتهدی و مهندس نیایش و جمعی از مقامات دانشگاهی و اعضای هیئت علمی هم از مدعوین بودند.

۴۶/۱۲/۶ ظهر در اتاق نیابت تولیت عظمی حضور داشتیم و دکتر رهنما، وزیر علوم و معاون ایشان دکتر فریار، پروفیسور رضاء را به طور رسمی به دانشگاهیان معرفی کردند. در ابتدای ریاست پروفیسور رضاء، ۵/۰۰۰ ریال کمبود حقوق بعضی از اعضای هیئت علمی نسبت به همکاران هم‌ترازشان به وسیله ایشان و با کمک دکتر پرتوی، مهندس نیایش و مهندس پیروزی، روسای قسمت‌های مربوطه، برطرف شد که باعث خوشحالی و تشکر بسیار از ایشان بود.

بقیه وقایع دانشگاه از این تاریخ به بعد در مقاله "گذری بر تاریخ معاصر دانشگاه" و مصاحبه‌ای که با اینجانب انجام گرفته تا زمان ریاست دکتر صالحی (۱۳۶۲) چاپ و تکثیر شده‌است.